

متن پرسش

سلام استاد: جوانی ۲۲ ساله هستم که از حدود ۱۷ سالگی با مباحث شما آشنا شدم و در حدود همان سن ها معرفت النفس را کار کردم، بعد ها با بالاتر رفتن سنم متوجه شدم اصلا معرفت النفس را نفهمیده ام و در فهم دین و خود و ... دچار سرگردانی ام، بازهم این کتاب را با حضور اساتید کار کردم و شاید بیش از ۳ بار این مبحث را کار کردم، بعد از آن برهان صدیقین و کتب معرفتی متفاوت شما را خواندم و با جمع های مختلف مباحثه کردم، اما الان بعد از چند سالی که گذشته در سن ۲۲ سالگی به همه چیز شک کرده ام، از حقانیت اصل دین و دیانت تا حتی قرآن و امامت و عدل و ... همه چیز برایم دارای سوال است و انگار نه انگار که قبلا این مباحث را خوانده ام و در شبهات، انگار با یک آدمی که هیچ معرفتی کار نکرده فرقی ندارم، فقط شاید اطلاعات بالاتر دارم، البته شاید اهل عمل به معارف نبوده ام، شاید سیر معرفتی را درست کار نکردم و شاید با علم حضوری این مباحث به جانم نرفته که این هم برای بنده جای پرسش است که چگونه باید با علم حضوری معارف را دریابم؟ در جایی گفته بودید طاهرزاده ی پنجم در حال تولد است و انگار در گذشته؛ با آن طاهر زاده های اولیه من بسیار به وجد می آمدم و سر از پا نمی شناختم، اما گویا مباحث اخیر شما هم برایم سخت آمده است و ارتباط گیری هم برایم سخت تر شده و شاید تنبلی بر من غلبه آمده، اصلا حال خوشی ندارم، چون نه می توانم رها کنم و به یک دینداری ذوقی و علاقه ای دلخوش کنم، نه می توانم منکر کامل این مباحث شوم، و از طرفی همه چیز برایم جای سوال دارد و مثل آدمی ام که انگار می خواهد تازه مسلمان بشود، البته الان هم اهل عمل به احکام الهی و به ظاهر مسلمان هستم ولی... با این وضعیت که گفتم استاد عزیز که گردن بنده بسیار حق دارید بنظر شما از کجا شروع کنم؟ با که حرف بزنم؟ چه نوع کتبی بخوانم؟ اگر بخواهم سیر شما را شروع کنم از کجا شروع کنم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نحوه حضور را تقدیر این تاریخ بدانید، تاریخی که انسان باید در مقابل انکارهای بزرگ خود قرار گیرد و تنها با ایمانی بزرگ تر می تواند در جهان متعالی خود حاضر شود. چنانچه در این سال ها ملاحظه کرده اید همه عرض بنده آن است که انسان باید در جهان خود و سوبژگی خود حاضر گردد تا نسبت انسانی خود را با انسان کامل بیابد که البته موضوع ساده ای نیست. شاید کتاب «بشر جدید» شروع خوبی باشد، ولی فکر نکنید با حضور در چنین حالتی، عقب افتاده اید. به نظر بنده بخواهیم و یا نخواهیم این نسل با این انکارها روبرو می شود تا به

بزرگ‌ترین ایمان که ایمان آخرالزمانی می‌باشد؛ نزدیک شود. اشاراتی در غزل شماره ۱۴۲ که مشغول شرح آن هستم، در این رابطه شده است. https://eitaa.com/varastegi_ir/۱۷۷۱ در ضمن خوب است به سؤال و جواب شماره ۴۰۵۴۸ نیز رجوع فرمایید.

موفق باشید